

Research Article

A jurisprudential study of the causes of the tendency of children of persons sentenced to imprisonment towards addiction and delinquency.

Nahid Darvishi¹, Alireza Sayebani², Sirous Zarghami³

Received: 2023/01/30

Accepted: 2023/05/20

Abstract

Prison has a long history as the most common form of punishment for criminals and lawbreakers. In fact, since mankind chose social life, the phenomenon of crime and criminals has also emerged as a social problem. Basically, the limited possibilities and unlimited desires of humans can be considered the root and main cause of committing crimes, which causes some people to compete or confront others to benefit from opportunities and possibilities, and in the meantime, some people engage in deviant and illegal activities to achieve their goals. For this reason, mankind has long recognized and admitted the necessity of punishing criminals and people who intend to deprive others of their comfort. The absence of one or both parents in the family environment, especially if this absence is due to factors such as imprisonment for committing a crime, can lead to numerous emotional and psychological consequences such as lack of proper identification, reduced educational ability and social adaptation, and many other social abnormalities. The tendency of children of people sentenced to imprisonment towards addiction and delinquency is one of the social problems that exist in many societies. This article aims to investigate the causes of this tendency and provide solutions to reduce it. The research method used in this study is a descriptive-analytical method that includes studying sources and articles related to the topic and the method of collecting data is library. The results of the study showed that various factors, including economic deprivation, psychological problems, lack of social and educational support, and the negative effects of parental imprisonment, play a role in the tendency of children towards addiction and delinquency. In this regard, suggestions such as creating special support programs, strengthening the role of educational and cultural institutions, and providing psychological support for children of prisoners were put forward in order to prevent delinquency. This study emphasizes the need for cooperation between social and government institutions to reduce social harms caused by parental imprisonment.

Keywords: Incarceration, addiction, delinquency, prison, children and adolescents.

¹ - PhD student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

² - Assistant Professor, Department of Law, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran. (corresponding author) saybani.a@gmail.com

³ - Assistant Professor, Department of Law, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

بررسی فقهی علل گرایش فرزندان اشخاص محکوم به حبس به سمت اعتیاد و بزهکاری

ناهید درویشی^۴، علیرضا سایبانی^۵، سیروس ضرغامی^۶

چکیده

زندان به عنوان رایج ترین شکل مجازات مجرمان و قانون شکنان قدمتی طولانی دارد. در واقع از هنگامی که بشر زندگی اجتماعی را برگزید پدیده جرم و مجرم نیز چون معضلی اجتماعی پدیدار شد. اصولاً امکانات محدود و خواسته های نامحدود انسانها را میتوان ریشه و علت اصلی ارتکاب جرائم دانست که سبب میشود عده ای برای بهره مندی از موقعیتهای و امکانات با دیگران به رقابت یا مقابله برخیزند و در این بین برخی از افراد برای رسیدن به هدفهای خود به کارهای انحرافی و غیر قانونی دست بزنند به همین دلیل بشر از دیرباز به ضرورت مجازات بزهکاران و افرادی که قصد سلب آسایش از دیگران را داشته اند پی برده و اعتراف کرده است. عدم حضور یک یا هر دوی والدین در محیط خانواده به ویژه اگر این عدم حضور ناشی از عواملی چون زندانی شدن به دلیل ارتکاب جرم باشد میتواند پیامدهای متعدد عاطفی و روانی مانند عدم هویت یابی مناسب کاهش توانمندی تحصیلی و سازگاریهای اجتماعی و بسیاری دیگر از ناهنجاریهای اجتماعی گردد. گرایش فرزندان افراد محکوم به حبس به سمت اعتیاد و بزهکاری یکی از مشکلات اجتماعی است که در بسیاری از جوامع وجود دارد. این مقاله با هدف بررسی علل این گرایش و ارائه راهکارهایی برای کاهش آن انجام شده است. روش تحقیق به کار رفته در این مطالعه، روش توصیفی-تحلیلی است که شامل مطالعه منابع و مقالات مرتبط با موضوع و روش جمع اوری داده ها کتابخانه ای است. نتایج تحقیق نشان داد که عوامل مختلفی از جمله محرومیت های اقتصادی، مشکلات روان شناختی، فقدان حمایت های اجتماعی و آموزشی، و اثرات منفی زندانی بودن والدین، در گرایش فرزندان به سمت اعتیاد و بزهکاری نقش دارند. در این راستا، پیشنهادهایی مانند ایجاد برنامه های حمایتی ویژه، تقویت نقش نهادهای آموزشی و فرهنگی، و ارائه حمایت های روان شناختی برای فرزندان زندانیان به منظور پیشگیری از بزهکاری مطرح گردید. این تحقیق بر لزوم همکاری نهادهای اجتماعی و دولتی برای کاهش آسیب های اجتماعی ناشی از زندانی بودن والدین تأکید دارد.

واژگان کلیدی: حبس، اعتیاد، بزهکاری، زندان، اطفال و نوجوانان.

^۴ - دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.
^۵ - استادیار، گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران. (نویسنده مسئول)
saybani.a@gmail.com
^۶ - استادیار، گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

زندان به عنوان رایج ترین شکل مجازات مجرمان و قانون شکنان قدمتی طولانی دارد. در واقع از هنگامی که بشر زندگی اجتماعی را برگزید پدیده جرم و مجرم نیز چون معضلی اجتماعی پدیدار شد. اصولاً امکانات محدود و خواسته های نامحدود انسانها را میتوان ریشه و علت اصلی ارتکاب جرائم دانست که سبب میشود عده ای برای بهره مندی از موقعیتهای و امکانات با دیگران به رقابت یا مقابله برخیزند و در این بین برخی از افراد برای رسیدن به هدفهای خود به کارهای انحرافی و غیر قانونی دست بزنند به همین دلیل بشر از دیرباز به ضرورت مجازات بزهکاران و افرادی که قصد سلب آسایش از دیگران را داشته اند پی برده و اعتراف کرده است.

امیل دور کیم جامعه شناس بزرگ فرانسوی معتقد است اگر از آدمی آن چه را که در پرتو زندگانی اجتماعی نصیبش شده باز ستانند تا درجه حیوانات تنزل خواهد یافت (ستوده، ۱۳۷۶)؛ از این رو وضع قوانین برای برقراری نظم و انضباط اجتماعی یکی از بدیهی ترین اصول دوام و قوام هر جامعه ای محسوب شده و تنها زمانی مردم خواهند توانست از امنیت به عنوان یکی از نیازهای اولیه برخوردار گردند که اعضای جامعه از قوانین موضوعه پیروی نمایند وجود نهادهایی که بر پیروی آحاد جامعه نظارت داشته و مانع از تجاوز آنها به حقوق دیگران و هنجار شکنی شود. امری الزامی است. در نتیجه وجود برخوردهای بازدارنده و تنبیهی در مقابل افرادی که به شکستن هنجارها و قوانین ضروری اجتماعی اقدام میکنند نه فقط امری لازم بلکه ضروری و اجتناب ناپذیر میباشد. اما آنچه نباید مورد بی توجهی قرار گیرد پیامدهایی است که برخوردهای تنبیهی بر فرد خاطی و اطرافیانش که در بسیاری موارد نقشی نیز در ارتکاب جرم نداشته اند میگذارد در این میان آنچه مورد غفلت واقع شده توجه به قربانیان جرائم به ویژه خانواده های مجرمین بوده است. امروزه جامعه شناسان به توسعه مفهوم قربانی شناسی پرداخته و کوشیده اند تا به صورت نظری به توضیح وضعیت زندگی قربانیان جرائم در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی بپردازند. (معروفی، ۱۳۸۹ به نقل از لاوسون و هیتون ۱۹۹۹، برور و هانتز ۱۳۷۷).

آنها بر این باورند که اعضای خانواده های زندانیان به علت محبوس بودن سرپرست خانواده در معرض آسیبهای آشکار و پنهان بسیاری نظیر تنگناهای معیشتی تمایل به رفتار بزهکارانه در بین فرزندان تضعیف کنترل فرزندان پیامدهای کوتاه مدت مانند احساس خجالت برچسب اجتماعی انزوای اجتماعی از دست دادن حمایتهای مالی تضعیف تعلق خاطر به والدین تغییر در ترکیب خانواده کاهش عملکرد تحصیلی افزایش بزهکاری و افزایش خطر سوء استفاده از کودکان و پیامدهای بلند مدت مانند طیفی از رفتارها مانند زیر سؤال رفتن اقتدار خانواده نگرش منفی به پلیس ضوابط و سیستم قضایی و افزایش وابستگی کودک توقف رشد. ناتوانی در سازگاری با آسیبها یا موقعیتهای استرس زا در آینده و پیروی از الگوهای رفتاری بزهکارانه قرار میگیرند. (معروفی، ۱۳۸۹ به نقل از کوپر و همکاران ۲۰۰۷ & جوهانستون ۲۰۰۱).

علل گرایش فرزندان افراد زندانی به سمت اعتیاد و بزهکاری

در این بخش، به بررسی عوامل مختلفی که باعث می‌شود فرزندان افراد محکوم به حبس به سمت اعتیاد و بزهکاری گرایش پیدا کنند، پرداخته می‌شود. این علل می‌توانند شامل عواملی همچون وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده، مشکلات روان‌شناختی ناشی از زندانی بودن والدین، فقدان حمایت‌های اجتماعی و آموزشی، و تأثیرات منفی زندانی بودن والدین بر روان و رفتار فرزندان باشند. علاوه بر این، توجه به نقش محیط خانوادگی، الگوهای رفتاری منفی که از والدین یا جامعه دریافت می‌شود، و ضعف در ساختارهای حمایتی و قانونی در این زمینه، از دیگر مواردی است که به شکل دقیق و تحلیلی بررسی خواهد شد. در این بخش، بر اساس مطالعات و تحقیقات موجود، می‌توان به تحلیل این عوامل پرداخته و آنها را در کنار هم قرار داد تا درک بهتری از دلایل این گرایش‌ها به دست آید.

محیط خانواده یکی از حساس‌ترین و مهمترین کانونهای هویت‌یابی محسوب می‌شود. بسیاری از روان‌شناسان معتقدند خمیرمایه اصلی شخصیت متعادل یا متزلزل و آسیب‌پذیر کودکان و نوجوانان در کانون خانواده و در سایه تعامل مطلوب با والدین شکل می‌گیرد. (معروفی، ۱۳۸۹، به نقل از افروز، ۱۳۸۳).

امروزه در سطح جهان والدین میلیون‌ها کودک در زندان بسر می‌برند و هزاران نفر از آنها دچار آسیبهای عاطفی، اقتصادی و آموزشی ناشی از عدم حضور والدین خود میشوند. نتایج بررسیهای حاکی از آن است که با وجود اهمیت خانواده جایگاه و قداست خاص آن در فرهنگ اسلامی و ایرانی و انجام پژوهشهای مختلف درباره مسائل خانواده در پژوهشهای داخلی کمتر به مسائل خانواده‌های زندانیان توجه شده است. با این وجود در پژوهشهای زیادی تأثیر غیبت والدین به دلیل عواملی چون شهادت مرگ و... مورد توجه قرار گرفته است.

به اعتقاد تراویز (۲۰۰۳) فقدان پدر یا مادر به دلیل حبس جنبه‌های مختلفی از زندگی کودک را به درجات متفاوت تحت تأثیر قرار میدهد چنین غیبتی میتواند احتمالاً اثرات مهمی بر زندگی عاطفی روان‌شناختی جسمانی و اقتصادی کودک برجای گذارد. نتایج پژوهشهای مختلف حاکی از آن است که زندانی شدن والدین یک حادثه ساده در زندگی کودک نیست بلکه فرایند پویایی است که در طول زمان اثرات خود را آشکار می‌سازد (معروفی، ۱۳۸۹، به نقل از پارک و استوارات ۲۰۰۱).

عدم حضور یک یا هر دوی والدین در محیط خانواده به ویژه اگر این عدم حضور ناشی از عواملی چون زندانی شدن به دلیل ارتکاب جرم باشد میتواند پیامدهای متعدد عاطفی و روانی مانند عدم هویت‌یابی مناسب کاهش توانمندی تحصیلی و سازگاریهای اجتماعی و بسیاری دیگر از ناهنجاریهای اجتماعی گردد.

کودکان تا زمان بزرگسالی و تکمیل شخصیتشان از والدین خود الگوپذیری می‌کنند. آثار مثبت و منفی رفتاری و اخلاقی آنان به شکل موثری بر فرزندان نیز اثر می‌گذارد. بسیاری از جامعه‌شناسان و روانشناسان بر این تأکید دارند که ابتدا محیط خانواده و وضعیت اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی خانواده بر مجرم شدن و نشدن فرزندان اثر می‌گذارد و بعد از آن جامعه می‌تواند عامل مهمی باشد.

از عوامل مهم بزهکاری بسیاری از نوجوانان و حتی کودکان؛ از هم‌گسختگی و فروپاشی خانواده است که با حضور یکی از والدین در زندان، ضمن فشار آمدن بر سایر اعضای خانواده، افراد جامعه نیز نگاه متفاوتی به آن خانواده خواهند داشت.

بسیاری از تحقیقات نشان داده است که فرزندان چنین خانواده‌هایی به نوعی نسبت به جامعه بدگمان خواهند شد و احتمال ادامه‌ی مسیر والدین را دارند. از طرفی فرزندان در صورتی که سرپرست خانواده در زندان باشد از کودکی باید

تجربه کار را داشته باشند تا بتوانند در تامین معاش خانواده نقش موثری داشته باشند. بسیاری از کودکان در این گونه مواقع با انواع بزهکاری و جرائم مختلف آشنا خواهند شد.

ابتلا به انواع استرس ها و اضطرابهای دوران کودکی در این فرزندان ب نسبت بیشتر از همسالانشان است چرا که مشکلات اقتصادی و تنش های خانوادگی ناشی از زندانی شدن والدین مانع از برقراری آرامش طولانی مدت در آنها خواهد شد. این عدم آرامش در بسیاری از این کودکان منجر به ترک تحصیل نیز می شود که خود زمینه ای را برای بزهکاری آنان در آینده فراهم خواهد آورد. (خیریه لبخند ایتام، ۱۴۰۱)، و همچنین موجب اعتیاد به انواع مواد مخدر در فرزندان نیز می شود. گرایش فرزندان اشخاص محکوم به حبس به سمت اعتیاد و بزهکاری می تواند ناشی از عوامل متعددی باشد که در این مقاله به برخی از این علل اشاره می شود:

استرس و افسردگی

افراد مصرف مواد را روشی مؤثر برای مقابله با علائم بیماری و اضطراب و... میدانند. این عقیده بسیار قدرتمند بوده و به سختی تغییر میکند حتی اگر شواهد جسمی نشان دهند که خود درمانی به خوبی عمل نمیکند (یونسی و همکاران، ۱۳۸۰).

یکی از عواملی که باعث آمادگی به اعتیاد می شود، استرس و وقایع استرس زا است. اولین بار در دهه 1930 میلادی واژه استرس توسط هانس سلیه روان شناس معروف اتریشی به کار گرفته شد. وی این واژه انگلیسی را از فیزیک عاریه گرفت بود. (استبارت و همکاران، 2018) عواملی که استرس را به ارمغان می آورد وقایع استرس زا نامیده میشود وقایع استرس زای زندگی، حوادثی اند که در طول زندگی فرد به طور نسبتاً ناگهانی و غیر قابل پیش بینی اتفاق می افتند و اثرات جدی برای فرد در بر دارند. اولین بار (هولمز و راهه 1967) در تلاش برای اندازه گیری مقدار استرسی که انسانها تجربه می کنند. مقیاس درجه بندی حوادث زندگی را به وجود آوردند (بوجری و همکاران 2018). این محققان اعتقاد داشتند هر تغییر در زندگی اعم از مثبت یا منفی که نیازمند این باشد سبک زندگی خود را مجدداً تنظیم کنیم، می تواند استرس را قلمداد شود.

تحقیقات نشان داده است زمانی که وقایع استرس زا در زندگی افراد افزایش می یابد افراد توانایی برخورد و کنار آمدن با وقایع را نداشته به دنبال راههای کسب آرامش هر چند موقت مانند استفاده از مواد مخدر بر می آیند (لاویو و همکاران 2019) بررسیهای انجام شده روی افراد مبتلا به اعتیاد نشان داده است که این افراد وقایع تروماتیک زیادی را نسبت به سایر افراد در طول زندگی خود داشته اند. استرس، عزت نفس و منطق این افراد را کاهش داده باعث میشود افراد در برابر کوچک ترین مسائل زندگی تصمیمات غیر منطقی و غیر مسئولانه ای مانند ابتلا به اعتیاد بگیرند (اولفسون و همکاران 2018).

اکبری و عموپور (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی رابطه افسردگی با نگرش به سوء مصرف مواد مخدر در دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان رشت پرداختند. نتایج نشان داد که بین افسردگی بالا و نگرش مثبت به اعتیاد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد یعنی هر چقدر افسردگی بیش تر شود نگرش نسبت به اعتیاد مثبت تر است. برماس (۱۳۸۲)، در تحقیقی به بررسی رابطه افسردگی با نگرش دانش آموزان مقطع متوسطه شهر تهران به سوء مصرف مواد مخدر

پرداخت نتایج نشان داد که بین نمرات افسردگی و نگرش نوجوانان به سوء مصرف مواد مخدر هم بستگی مثبت وجود دارد.

دوره نوجوانی از مهمترین و در عین حال آشفته ترین و پیچیده ترین مراحل حیات است. مسائل و دشواری های ناشی از بلوغ و جوانی به گونه ای است که میتوان نوجوانی را دوران بحران و فشار ناامید (نریمانی حسن زاده و ابوالقاسمی، ۱۳۹۱). ورود به دوره نوجوانی با تحولات بسیار عمیقی از نظر زیستی روانی و اجتماعی همراه است که موجب بهم خوردن تعادل و توازن جسمانی و روانی آنان شده و به عنوان دوران بحران، طوفان استرس دوره زایش دوباره و هویت طلبی یاد شده است کردی (محمدی ریزی شاکری مدرس و صالحی، ۱۳۹۳).

یکی از معضلات دوره نوجوانی بزهکاری است که گریبانگیر بسیاری از شهرها و کشورهای مختلف است؛ با وجود این که در دوره های مختلف زندگی انسان همواره بزهکاری نوجوانان و جوانان جزئی از مسائل جوامع گوناگون بوده ولی این مسأله هیچ گاه در حد مسائل حاد اجتماعی و به صورت بحران در نیامده بوده است. اما از قرن نوزدهم به بعد افزایش بزهکاری نوجوانان و جوانان به ویژه ارتکاب جرایم توأم با خشونت و قساوت یکی از بزرگترین معضلات اجتماعی محسوب شده و افکار عمومی جهان را نگران نموده است در همین ارتباط گزارشهای سازمان ملل در دهه های اخیر نشان میدهد که همواره بر میزان جرایم در سطح جهان افزوده شده و روند افزایش بزهکاری بیش از میزان رشد جمعیت است در ایران آمار و ارقام معتبری در مورد بزهکاری وجود ندارد اما آمارهای موجود رشد فزاینده ی آن را در سالهای اخیر نشان می دهد (کریمیان، ۱۳۸۷).

روان شناسان معتقدند که هیچ رفتاری بدون مقدمه بروز نمیکند بلکه معلول چندین عامل زمینه ساز است رفتارهای نابهنجار نوجوانان نیز از این قاعده مستثنی نیستند با وجود اختلاف نظر بین متخصصین با اندکی تسامح میتوان پذیرفت که ریشه جرم و جنایت در انسان احساس نا ایمنی است که در تمامی بزهکاران وجود دارد احساس ناایمنی در فرد منجر به بروز دلهره و اضطراب میشود و این اضطراب باعث میشود که در فرد نوعی تنش ایجاد شود که زمینه اقدام به اعمال خصمانه را فراهم می سازد که در میان این رفتارها و اعمال خصمانه رفتارهایی وجود دارند که ما آنها را غیر اخلاقی و غیر اجتماعی میدانیم و از آنها به عنوان رفتارها و یا اعمال بزهکارانه یاد می کنیم (عطاری و همکاران، ۲۰۰۴) و متأسفانه باید گفت که امروزه تنیدگی و استرس، به بخش مهم و ا و اجتناب ناپذیری در زندگی آدمی تبدیل شده است (رنجبرنوشری علیلو، اسدی مجره، قدرتی و نجار مبارکی، ۱۳۹۲؛ صبحی قراملکی پرزور آقاجانی و نریمانی، ۱۳۹۴).

در تمام مناطق دنیا اختلالات اضطرابی و افسردگی شایع است و قابل ذکر است که این اختلالات عواقب اقتصادی نیز به همراه دارند (میرزا و جنکینس، ۲۰۰۴) فراوانی بالای اضطراب و افسردگی در بین افراد با استرسهای اجتماعی عوامل خانوادگی و استرس های تحصیلی مرتبط است (وار کار الیس، ۲۰۰۰). در واقع اضطراب یکی از شایع ترین اختلالاتی است که در مقابل ناسازگارهای اجتماعی بروز میکند و احتمال بروز آن در بین نوجوانانی که به دنبال هویت یابی و تصمیم گیری برای آینده زندگی خود و انتخاب رشته تحصیلی هستند، افزایش می یابد. شیوع اضطراب آشکار در بین دانش آموزان دبیرستانی حدود ۱۵ درصد و اضطراب پنهان حدود ۲۱ درصد گزارش شده است (واحدیان، محمدزاده، رستمی، ۱۳۸۷) در ایران نیز در مدارس اختلالات اضطرابی زیادی مشاهده میگردد که دست اندر کاران مدارس را با مشکل مواجه کرده است (عطاری، شفیع آبادی و سلیمی، ۱۳۹۰؛ نریمانی پور عبدل و بشرپور، ۱۳۹۵) و اگرچه اعتقاد

بر این است که میزان کم اضطراب برای ادامه بقا انسان لازم است اما سطح بالای اضطراب زیانهای جدی بر جسم روان روابط اجتماعی شغل و تحصیلات وارد می آورد. (کاتزنلیک و همکاران، ۲۰۰۱)

هر چه افسردگی و یا به طور کلی آشفتگی روان شناختی دانش آموزان بالاتر رود نگرش آنها به بزهکاری مثبت تر خواهد شد. متغیر اضطراب نیز با نگرش مثبت به بزهکاری رابطه مثبت معنادار و با نگرش منفی به بزهکاری رابطه منفی معنادار دارد. به این معنی که هر چه میزان اضطراب دانش آموزان بیش تر باشد نگرش مثبت آنها به بزهکاری افزایش و هر چه میزان اضطراب آنها کم تر باشد، نگرش منفی آنها به بزهکاری افزایش خواهد یافت.

حمایت و محیط خانوادگی

فرزندان در محیطی بزرگ می شوند که ممکن است تحت تأثیر رفتارهای نادرست والدین قرار گیرند. اگر والدین به دلیل رفتارهای خود در زندان باشند، این موضوع می تواند بر نگرش و رفتار فرزندان تأثیر منفی بگذارد.

از دیگر عواملی که در آمادگی به اعتیاد نقش به سزایی دارد، حمایت خانوادگی است.

حمایت اجتماعی - خانوادگی اعتقاد شخصی که در نتیجه آن فرد دوست داشته می شود، مورد احترام قرار می گیرد ارزشمند میشود و به یک شبکه اجتماعی و تعهدات متقابل وصل میشود، معرفی شده است. بررسی های انجام شده حمایت اجتماعی را به دو صورت حمایت اجتماعی ادراک شده و حمایت اجتماعی دریافت شده بیان کرده اند. در پژوهشهایی نشان داده شده است حمایت خانوادگی در پیشگیری، درمان و جلوگیری از مصرف مجدد مواد مخدر نقش دارد پارک و همکاران (2019) حمایت خانوادگی برای کمک به شکل دادن شخصیت شایستگی ها خود پنداره و هویت کودکان و نوجوانان شناخته می شود. افرادی که دوره کودکی بدون تنش و بحران هویت نوجوانی را به خوبی و با موفقیت طی کرده اند، در جوانی و بزرگسالی از نظر تحصیلی شغلی و اجتماعی به موقعیتهای مناسبی دست یافته اند. آنان بیان داشته اند که والدینشان حمایت عاطفی مالی همراه با نظارت و نظم و انضباط کافی را داشته اند کراس و همکاران، (2018). کاهسای و همکاران (2019) بیان کردند روابط خانوادگی حمایت کننده خطر استفاده از مواد و مشکلات بعدی را کاهش میدهد به عبارتی با افزایش حمایت خانوادگی آمادگی به اعتیاد در افراد کاهش می یابد. همچنین اسمولکی و همکاران (2017) نشان داده اند که عوامل خانوادگی از جمله بی ثباتی مکان زندگی و مانعیت از سازگاری فرزند با شرایط زندگی از عوامل مؤثر بر آمادگی به اعتیاد جوانان است. حمایت و پشتیبانی خانواده در هدایت فرزندان در مسیر بهتر نقش بسزایی دارد و می تواند از اعتیاد پیشگیری کند. با توجه به مطالب ذکر شده بالا بودن وقایع استرس زا در طول زندگی، احساس امنیت افراد را مختل میکند این افراد به منظور کسب حس امنیت و آرامش خود به دنبال راههای جبران بر می آیند. آشفتگی ناشی از استرس باعث کاهش قدرت تصمیم گیری صحیح در این افراد می شود؛ به همین دلیل ممکن است برای کسب آرامش خود به رفتارهای پرخطر روی آورند. در کنار این وقایع، خانواده نیز در آمادگی به اعتیاد نقش مؤثری دارد. خانواده مهمترین رکن جامعه است و اولین محیطی است که کودک پس از تولد و سالیان زیادی را در آن قرار میگیرد روابط گرم و صمیمانه در بین اعضا باعث ارضای حس تعلق و ارزشمندی در آنها میشود در صورتی که روابط بین اعضای خانواده گرم و صمیمی نباشد، نوجوانان و جوانان دچار خلا شده برای جبران کمبود خود به بیرون از خانواده و به ویژه دوستان پناه می برند. در سنین نوجوانی و جوانی با توجه به رفتارهای ریسک پذیر احتمال بروز رفتارهای پرخطر از جمله ابتلا به اعتیاد بسیار بالاست. به همین دلیل حمایت خانواده در آمادگی به اعتیاد نقش بسیار مهمی دارد. ادوین ساترلند معتقد است رفتار مجرمانه در اثر تماس و همنشینی با

الگوهای جنایی آموخته می شود. هر چه تماس افراد با چنین محیط هایی زودتر آغاز شود (سن افراد) تکرار تماس به دفعات بیشتر باشد فراوانی معاشرت ارتباط نزدیک تر و عمیق تر باشد، و مدت زمان معاشرت طولانی تر باشد احتمال اینکه فرد در نهایت به یک بزهکار تبدیل شود بیشتر است.

نظریه ساترلند حاکی از آن است که هر چه روابط اعضای خانواده سالم و از صمیمیت بیشتری برخوردار باشد امکان بروز انحراف کمتر می باشد. به عبارت دیگر، وجود افراد مجرم در خانواده فرصت آموختن و یادگیری انحرافات را برای سایر اعضا فراهم می سازد. ماتزار نیز اشاره میکند به اینکه ارتباط نزدیک با فرد کجرو می تواند انحرافات بعدی را تحریک کند.

□ الگوبری از والدین

فرزندان ممکن است رفتارهای نادرست والدین خود را به عنوان الگو قرار دهند. اگر والدین درگیر بزهکاری یا اعتیاد بوده باشند، فرزندان ممکن است این رفتارها را طبیعی تلقی کنند.

عدم بهره‌مندی از الگوی رفتاری مناسب برای نوجوانان و جوانان، می‌تواند در گرایش به بزه‌کاری آنان مؤثر باشد. در خانواده، والدین الگویی شایسته برای کودکان و نوجوانان بوده و آنان سعی می‌کنند اعمال و کردار خویش را با اعمال و کردار الگوهایشان مطابقت دهند و بدین ترتیب، اگر پدر یا مادر نتوانند نقش خود را به درستی ایفا کنند و الگوی صحیح و مناسبی برای فرزندان خود باشند، بی‌تردید دشواری‌های فراوانی برای فرزندانشان پیش خواهند آورد. از سوی دیگر، در محیط خارج از خانه نیز فرزندان، در مدرسه یا گروه همسالان، با افراد مختلفی در ارتباط هستند که ممکن است برای آنان الگوی مناسب یا بعکس الگوی نامناسب باشند. این الگوها، در شخصیت و رفتار آنان تأثیر جدی دارد. الگوهای مناسب، رفتار آنان را بهنجار و چنین افرادی را جامعه‌پذیر و الگوهای نامناسب آنان را دچار انحراف رفتاری خواهد نمود.

یکی از عوامل مرتبط با استعداد اعتیاد نوجوانان استعداد والدین است (کا پالدی، ۲۰۰۸) عوامل خانوادگی از جمله مصرف مواد و سوء مصرف و وابستگی به آن در والدین رابطه مستقیمی با مصرف و سوء مصرف مواد در فرزندان و استعداد اعتیاد آنان دارد (نوری، ۱۳۹۳). استعداد اعتیاد نوعی آمادگی روانی و اجتماعی است که به صورت بیمارگونه طی زندگی شکل می‌گیرد و فرد را مستعد و آماده مصرف مواد می‌کند (زینالی و شریفی، ۱۳۹۷). استعداد اعتیاد شرط لازم و کافی برای اعتیاد نیست و اعتیاد نتیجه ترکیبی از عوامل گوناگون می‌باشد که برخی از این عوامل موجب افزایش خطر و برخی دیگر موجب کاهش خطر میشوند (هیگینز و همکاران، ۲۰۱۷) نتایج پژوهش‌ها حاکی از رابطه استعداد اعتیاد والدین با استعداد اعتیاد نوجوانان می‌باشد. برای مثال نتایج پژوهش هزار جریبی، ترکمان و مرادی (۱۳۸۹) حاکی از تأثیر عوامل مختلف مثل گروه‌های مرجع و نهادهای اجتماعی از جمله زیر مولفه اعتیاد والدین در گرایش نوجوانان و جوانان به مصرف مواد مخدر بود در پژوهشی دیگر مولوی و رسول زاده (۱۳۸۲) گزارش کردند که طلاق والدین و اعتیاد والدین نقش موثری در گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر داشتند. همچنین کاپالدی (۲۰۰۸) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسید که با افزایش سوء مصرف مواد والدین میزان سوء مصرف مواد در کودکان افزایش می‌یابد.

خانواده به عنوان اولین واحد اجتماعی و کوچکترین آن، یگانه ساختار اجتماعی با دوام و هماهنگی است که از دیر باز در زندگی بشر وجود داشته و برآورنده مهم‌ترین خواست‌های حیاتی انسانی و برقرارکننده روابط اجتماعی اوست. ساختار خانواده و شرایط حاکم بر آن تأثیر انکارناپذیری بر رفتار و آینده کودکان و بزهکاری آنها دارد.

خانواده به جهت نقش اساسی که در شکل گیری شخصیت افراد ایفا می کند واجد اهمیت است. روان شناسان نشان داده اند که در دوران کودکی قابلیت تلقین پذیری شخص به مراتب از دوران های بعد بیشتر است، به این ترتیب تعلیم و تربیت دوران کودکی در واقع پایه های شخصیت را فراهم می آورد. بر همین اساس خانواده نقش بسیار قابل ملاحظه در سازندگی شخصیت و سلوک فرد دارد و در حقیقت عامل تعیین کننده سرنوشت است.

بزهکار بودن پدر و مادر، یا یکی از اعضای خانواده و انحرافات اجتماعی آنان، می تواند در گرایش به بزهکاری فرزندان مؤثر باشد. به عنوان مثال، خانواده ای که بر اثر اعتیاد به الکل یا مواد مخدر به فساد کشانیده شده، نه تنها نمی تواند کودکان سالمی تربیت کند، بلکه رفتار و ویژگی های آنان می تواند الگویی برای کشاندن فرزندان به سوی انحرافات گوناگون باشد. کودکان نگرش های اجتماعی را از خانواده می آموزند و چنان که یکی از والدین بزهکار باشند فرزندان آنان بیش از هر کس در معرض خطر آلودگی قرار خواهند گرفت. مادری که به مسائل شرعی و اخلاقی تقید چندانی ندارد و معاشرت های گناه آلودی دارد، موجب می شود تا قبح اعمال خلاف عفت نزد فرزندان از بین رفته، و در صورت به وجود آمدن شرایط مناسب، انجام و تکرار اعمال قبیح، شدیدتر و آسان تر به وسیله فرزندان صورت پذیرد. نتایج تحقیقات نشان می دهند که بسیاری از معتادان در خانواده افراد معتاد، از قبیل پدر، مادر، پدر بزرگ و غیره بوده اند.

هر چند انسان از نظر خصائل اخلاقی و استعداد های گوناگون و کیفیات روانی تا حد زیادی تحت تأثیر گذشتگان خویش است و قانون وراثت در جهاتی بر او حکومت دارد اما این نکته قابل توجه است که هیچ کودکی از مادر، به طور قطعی، تبهکار به دنیا نمی آید و هیچ فرزندی هم احترام به قانون را از هنگام ولادت با خود به همراه نمی آورد. در بادی امر این خانواده است که یکی از این دو راه را به سوی او می گشاید. بی گمان به همین دلیل است که ابواب تحقیقات متعدد و مطالعات عمیقی بر پایه جرم شناسی درباره روابط موجود بین تبهکاری از یک سو و اوضاع گوناگون خانوادگی از دیگر سو گشوده شده است. به عبارت دیگر مطالعات اولیه جرم که تحت تأثیر جامعه شناسی قرار داشتند، توجهی خاص را به عواملی همچون تنش های خانوادگی، خانه متلاشی، الگوهای نظم در خانواده و بزهکاری در درون خانواده به عنوان شاخص هایی برای شناخت و توضیح بزهکاری مبذول می داشتند.

جملاتی مانند «پسر کو ندارد نشان از پدر» حکایت هایی از این دست اند. در اینجا نیز تحقیقاتی وجود دارد که بر این جملات قصار مهر تأیید می زند. مک کورد به این نکته اشاره می کند که پدران بزهکار، فرزندان بزهکار خواهند داشت. در مقام تأیید این یافته، وست و فارینگتون در تحقیق درازمدت خود، دریافتند که داشتن پدر یا مادری که دارای محکومیت بوده، به بزهکاری بعدی کودک در دوران بلوغ و بزرگسالی می انجامد. ویلسن هم در بیرمنگام نشان داد که محکومیت داشتن والدین، عامل پیش بینی کننده برای محکومیت فرزندان یا اخطار گرفتن آنها است در این تحقیق، پسرانی که دارای والدین دارای محکومیت بودند، دو برابر بیشتر از دیگر پسران، محکومیت دریافت می کردند. در افراد موضوع پژوهش بزهکاری و محکومیت والدین و موقعیت های مرتبط با آن فرزندان را تحت تأثیر قرار داده است، از قبیل دستگیری پدر یا مادر، شرکت در جلسات محاکمه، ملاقات فرزندان با والدین در زندان و غیره در انحراف و سوق دادن آنها به سمت بزهکاری مؤثر بوده است. (گل خندان، سمیرا، ۱۴۰۱)

فقر و مشکلات اقتصادی

فرزندان افراد زندانی ممکن است با مشکلات اقتصادی و اجتماعی بیشتری مواجه شوند. این مسائل می‌تواند فرصت‌های تحصیلی و شغلی آنها را محدود کند و آنها را به سمت رفتارهای غیرقانونی سوق دهد. فقر و انحرافات اجتماعی از جمله پدیده‌هایی هستند که به نظر بسیاری از صاحب نظران با هم مرتبط می‌باشند. تحقیقات و پژوهش‌ها در عین حال که مؤید وجود رابطه مستقیم بین فقر و انحرافات نیست، اما وجود همبستگی میان آن دو را تأیید می‌نماید. در رویکرد دینی نیز این همبستگی میان فقر و انحرافات اجتماعی مورد تأیید است. بر این اساس فقر انگیزش روی‌آوری به کجروی را افزایش می‌دهد؛ همچنان که رفاه طلبی در روی‌آوری به جرائم، انگیزه بسیار قوی می‌باشد.

بدون تردید فقر و نابرابری‌های اقتصادی از زمره مهم‌ترین معضلات جامعه بشری است که از جایگاه ویژه‌ای در بین سایر مسائل اجتماعی برخوردار است. فقر از بنیادی‌ترین مشکلات و ناهنجارترین دردهای زندگی انسان است که با وجود پیشرفت و توسعه گسترده در زندگی بشری، میزان آن نه تنها کاسته نشده بلکه بر طبق آمارهای موجود در حال افزایش است. مشکلات فقر صرفاً منحصر به پیامدهای خود فقر نمی‌باشد، بلکه مشکلات این مساله اجتماعی زمانی شدت پیدا می‌کند که آن بستر ساز انحرافات می‌گردد.

ارتباط بین فقر و انحرافات اجتماعی، موضوعی نو و بدیع نیست. جوامع انسانی در طی حیات خویش به شکلی، با این دو مقوله درگیر بوده‌اند. ارتباط بین فقیران، گرسنگان و بی‌خانمان‌ها با سارقان، قاتلان، معتادان در حوزه‌های مختلف علمی از قبیل، علوم اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناسی، موضوع تحقیق و پژوهش‌های مختلف قرار گرفته و از منظرهای گوناگون به آن توجه گردیده است؛ به گونه‌ای که در هر زمان و به تناسب شرایط، امکانات و فضای جامعه، راه‌حلی در برخورد با آن در نظر گرفته شده است. با شکل‌گیری «نهضت علمی» و آغاز بررسی‌های علمی پدیده‌های فیزیکی، طبیعی، انسانی و اجتماعی، فقر و انحرافات اجتماعی نیز از موضوعاتی بود که به طور تقریبی از یکصد سال پیش، با کمک ابزارهای علمی جدید، مورد کنکاش علمی قرار گرفته و نظریه‌ها و تئوری‌های جدیدی در این رابطه ارائه گردیده است.

فقر و انحرافات اجتماعی

در دو سطح خرد و کلان قابل تبیین است که بیشترین تبیین‌ها در سطوح خرد انجام شده است. در سطح خرد، کجروی به عنوان یک واقعه و یک رویداد اجتماعی تلقی شده و در آن به خصوصیات و ویژگی‌های فردی و جزئی حادثه توجه می‌گردد. اما در سطح کلان، رفتارها بر حسب متغیرهای اجتماعی، سیاسی و امثال آن تبیین می‌گردند و ارتباط پدیده با ساخت‌های کلان و وسیع جامعه در سطح سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مشخص می‌گردد و با نگرشی تام و کلان، ابعاد جزئی‌تر پدیده هم مورد بررسی قرار می‌گیرند.

1) تبیین خرد

بر حسب تبیین‌های خرد و فردی، فقر و انحرافات اجتماعی هر دو ناشی از ویژگی‌ها و خصلت‌های افراد است. بر این اساس فقر نتیجه سرشت فرومایه و توان ناچیز مردمان فقیر است. بی‌استعدادی، عارضه‌های جسمانی و اختلالات روحی از جمله مواردی هستند که در رابطه با ایجاد این پدیده مورد بررسی قرار می‌گیرند.

672

این گونه تحلیل از پیچیدگی‌های معمول به دور است که به سادگی و با استفاده از برخی ابزارها از جمله آمارهای موجود، می‌توان به یک نتیجه فوری دسترسی پیدا کرد. به عنوان نمونه با چند سؤال ابتدائی درباره وضعیت اقتصادی و مالی مجرمین و بزهکاران به سادگی مشاهده می‌گردد که اکثر آنها از طبقه فقرا و محرومین می‌باشند و با بهره جستن از تعدادی جدول نشان داده می‌شود که فراوانی کجروپها در نزد فقرا بیشتر از دیگر اقشار جامعه است و در نتیجه می‌توان فوراً و شتابزده دست به قضاوت زد و رابطه بین وقوع جرائم و کجروی با فقر را امری قطعی و روشن تلقی نمود.

2) تبیین کلان

در سطح کلان فقر و انحرافات اجتماعی هر یک معلول تلقی شده و در یک چرخه علی و معلولی قرار می‌گیرند. بر اساس این گونه تبیین‌ها مشخص می‌شود که در سطح نهادها، سازمان‌ها، روابط اجتماعی و خصایص ساختاری جامعه مشکلی وجود دارد و سبب ایجاد یک معضل در جامعه شده است. طبق این نگرش نمی‌توان به راحتی حکم به وجود رابطه بین فقر و انحرافات اجتماعی کرد و به کمک آمارها ادعا نمود که بیشتر مجرمین از طبقه محرومین و فقرا هستند، همان‌طور که در سطح فردی و خرد تحلیل می‌شود، بلکه در این تحلیل ابعاد عمیق‌تر این موضوع مورد کنکاش قرار می‌گیرد. از این‌رو در این سطح پرسشهایی از قبیل: آسیب‌ها چگونه تعریف شده‌اند، کجروهای واقعی چه کسانی‌اند، آیا توزیع نابرابر ثروت، خود امری آسیب‌شناختی نیست، فقیران کجروترند یا ثروتمندان و صاحبان سرمایه و... مطرح می‌گردد.

از نظر عموم افراد جامعه، فقر عامل جنایت، سرقت، فحشا و بسیاری از کجروی‌ها در جامعه است. برخی از پژوهش‌ها هم این نظر را تأیید می‌کنند و فقر و ناتوانی اقتصادی را عامل مستقیم کجروی‌ها قلمداد می‌نمایند و بین آنها همبستگی ملاحظه می‌کنند. از برخی پژوهش‌ها که درباره رابطه بین نرخ جرائم علیه اموال، در سال‌های 1940 تا 1960 و بین درصد خانوارهایی که درآمد آنها از میانگین جامعه پایین‌تر است، این نتیجه به دست آمد که رابطه بین فقر و انحرافات، رابطه‌ای مستقیم است. تحقیقات «لافتین» و «هیل» که به کمک شاخص‌های فقر، از قبیل، مرگ و میر کودکان، آموزش و پرورش نامناسب و... صورت گرفت، تأیید کننده همبستگی قوی بین این سنجش و نرخ قتل‌ها در آمریکا بوده است. همچنین تحقیقاتی که در مورد رابطه بیکاری و جرم صورت گرفته، همین یافته‌ها را تأیید می‌نمایند. به عنوان نمونه در یک پژوهش اثبات گردید که 1 درصد افزایش در نرخ بیکاری، 5/7 درصد افزایش در قتل عمد را به دنبال داشته است. البته با توجه به این پیش فرض که بیکاری علت فقر و فقر هم عامل جرم و جنایت می‌شود، این نتیجه به دست می‌آید که بین بیکاری و فقر و جرم رابطه مثبت وجود دارد

آمارهای موجود تأیید کننده ارتباط بین اعتیاد و فقرند. به عنوان نمونه بر طبق آمارهای 77-1371 انجام گرفت، این نتیجه به دست آمد که بین تغییرات نسبت خانوارهای زیر خط فقرنسبی و تعداد دستگیر شدگان مرتبط با مواد مخدر همبستگی بالایی وجود دارد و نیز یافته‌های برخی پژوهش‌گران نشان می‌دهد که در اعتیاد

چهارعامل مهم وجود دارد که سه عامل آن یعنی فقر اقتصادی، بیکاری و فقر فرهنگی به شکلی با فقر و نابرابریهای اقتصادی مرتبط هستند. زیرا فرد معتاد با گسترش اعتیادش، احتیاج بیشتری به پول پیدا می‌کند. به سبب آنکه که از یک سو مصرف بالای مواد مخدر این نیازمندی را ایجاد می‌کند و از سوی دیگر به فرد معتاد کار داده نمی‌شود و در نتیجه درآمدی برای تأمین نیازهایش ندارد که این دو عامل در روی‌آوری آنها به فعالیت‌های غیرقانونی از قبیل قاچاق کالا، خرید و فروش مواد مخدر و در خصوص زنان روی آوردن به فحشا بسیار تأثیرگذار است. این چرخه زشت و سیاه بین فقر، اعتیاد و دیگر جرائم مشاهده می‌شود. در یک پژوهش درمورد معتادین مشخص شد که 24/9 از جمعیت نمونه، به طریق غیرقانونی مخارج زندگی و مواد مصرفی خود را تأمین می‌نمایند.

عدم دسترسی به آموزش و تحصیل فرزندان

فرزندان افرادی که در زندان هستند، ممکن است به دلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی نتوانند به آموزش‌های کافی دسترسی پیدا کنند. این عدم دسترسی می‌تواند آنها را از فرصت‌های شغلی مناسب محروم کند و به رفتارهای بزهکارانه و اعتیاد سوق دهد.

نهاد خانواده بیشتر از هر روزگار دیگری امروزه با عوامل مشکل‌زا دست‌وپنجه نرم می‌کند، حال آنکه ارکان رشد و توسعه اجتماعی همانند به‌هم‌پیوستگی، اعتماد اجتماعی و انسجام به طور مستقیمی با نهاد خانواده مرتبط است. بررسی‌های انجام‌شده در سازمان زندان‌ها هم نشان می‌دهد نزدیک ۵۰ درصد کودکانی که سر از کانون‌های اصلاح و تربیت درمی‌آورند، پدر آنها در زندان است. زندان و پیامدهای ناشی از آن یکی از عوامل آسیب‌زا و مشکل‌آفرین در ارتباط با نهاد خانواده و فرزندان است.

از جمله آثاری که ممکن است حبس والدین و پدر بر فرزندان وارد کند، محروم شدن فرزندان از حضور والدین در فرایند آموزشی آنان است.

نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد زندانی شدن والدین یک حادثه ساده در زندگی کودک نیست، بلکه فرایند پویایی است که در طول زمان اثرات خود را آشکار می‌کند. نبود حضور یک یا هر دوی والدین در محیط خانواده، به ویژه اگر این عدم حضور ناشی از عواملی، چون زندانی شدن به دلیل ارتکاب جرم باشد، می‌تواند پیامدهای متعدد عاطفی و روانی مانند عدم هویت‌یابی مناسب، کاهش توانمندی تحصیلی و سازگاری‌های اجتماعی و بسیاری دیگر از ناهنجاری‌های اجتماعی را به دنبال داشته باشد. (رسول خوانی، حامد، ۱۴۰۱)

غیبت والدین به هر دلیلی به ویژه به دلیل زندانی شدن می‌تواند وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان (پارک و استوارت ۲۰۰۱ جعفری و نیکپور ۱۳۸۴) و امنیت روانی - عاطفی، جسمانی اقتصادی و اجتماعی کودک را دچار اختلال سازد و هر کدام از این عوامل به دلیل اهمیتی که در زندگی فرد دارند عملکرد فرد را در زمینه‌های مختلف از جمله در تحصیل تحت تأثیر قرار میدهند (چاپمن ۲۰۰۰؛ هنر نیگتون و پارک ۱۹۷۵ کریمن ۱۹۶۵؛ علی زاده محمدی و همکاران ۱۳۸۵ عبدی ۱۳۷۱ مکارمی ۱۳۷۰ بهزادی ۱۳۶۵ و سپهوندی ۱۳۶۵)

معضلات عدم حضور پدر در خانواده

شکی نیست که خانواده اولین پایه‌گذار شخصیت هر فرد است که نقش مهمی در تعیین سرنوشت و زندگی آینده او دارد و اخلاق و سلامت روانی فرد تا حدود بسیار زیاد در گرو آن است؛ چراکه فرد پس از متولد شدن تحت تأثیر افکار، عقاید و رفتار اعضای خانواده خود قرار می‌گیرد. از این‌رو، خانواده اولین عاملی است که در رفتار فرزند تأثیر می‌گذارد. به طور کلی، طرز تفکر والدین یا سایر اعضای خانواده به هر شکلی که باشد کم و بیش در فرزندان آنان تأثیر می‌گذارد.

آنچه در اینجا بیشتر مورد توجه است، آثار سوء کاستی‌ها و کمبودهای خانوادگی است که متوجه سایر اعضای خانواده نیز می‌شود. در اثر همین کاستی‌ها است که فرزندان تحت شرایط خاص در معرض فساد و تباهی قرار می‌گیرند و به تدریج به سوی بزه‌کاری سوق داده می‌شوند.

به دلیل آنکه پدر نقش مهمی در تکامل شخصیت فرزند دارد، از این‌رو، حضورش در خانه اثر زیادی بر روحیه او می‌گذارد که عواقب آن معمولاً در دوران بلوغ و نوجوانی مشخص می‌شود. خانواده همان قدر که به احساسات و عواطف سرشار مادر محتاج است، به قدرت، قاطعیت، تدبیر و مدیریت پدر هم نیاز دارد، حال اگر به هر دلیل پدر در خانه حضور نداشته باشد و یا صرفاً حضور فیزیکی داشته باشد، شیرازه امور از هم پاشیده و نظم و انسجام لازم از میان می‌رود و در اعضای خانواده زمینه گرایش به بزه‌کاری فراهم می‌شود.

جلوگیری از بزهکاری و اعتیاد در فرزندان والدین زندانی

کودکان در تمام مراحل حضور والدین شان در روند عدالت کیفری، از نقطه دستگیری تا زمان پیوستن به جامعه پس از آزادی، تأثیر می‌پذیرند. شیوه‌هایی که آنها می‌توانند تحت تأثیر قرار گیرند نیز متنوع هستند و شامل اثرات احساسی، روحی، مالی، مادی، فیزیکی و اجتماعی می‌شوند. به عنوان مثال، از دست دادن پدر و مادر کار می‌تواند به معنای کاهش توان مالی و به طور بالقوه، نیاز به حرکت به سمت یک خانه و خانواده متفاوت - در صورتی که اموال فعلی دیگر کفاف مخارج وی را ندهد - باشد. ارتباط والدین و فرزندان ممکن است به دلیل فرصت‌های به شدت محدود و بسیار کنترل شده برای تماس، تحت فشار قرار گیرد. و ناراحتی ناشی از زندانی شدن والدین و واکنش‌های دیگران به این موضوع (به ویژه اگر آنها مورد خطاب دیگران قرار بگیرند - "پدر تو یک جنایتکار است") می‌تواند به این معنی باشد که کودکان دچار انزوا، عصبانی و / یا ترس، و در بعضی موارد دچار مشکلات سلامتی فیزیکی یا روانی بشوند. همچنین لازم به ذکر است که این موضوع برای برخی کودکان ممکن است تأثیرات مثبتی هم داشته باشد، مثلاً زمانی که والدین خطرناک یا آشوبگر کودکان از خانه دور شوند. وقتی که به کشورهای مختلف و مناطق جهان نگاه می‌کنید، فوری درمی‌یابید که این مسئله مختص یک منطقه نیست و این طور نیست که آن تنها روی کشورهای ثروتمند یا کشورهای فقیر تأثیر بگذارد. هر کشوری دارای زندان است و مسلماً حداقل برخی از زندانیان دارای فرزند هستند. محدوده تأثیرات و میزان تأثیرات بستگی به شرایط کشور و هر کودک دارد (حتی کودکان در یک خانواده، واکنش‌های مختلفی به این موضوع نشان می‌دهند)، اما قابل توجه است که کودکان در بسیاری از کشورهای مختلف، احساسات مشابهی را تجربه می‌کنند و عمومی‌ترین احساس در میان کودکان، حس باختن است.

در سال‌های اخیر، سیاست و (به ویژه) تحقیقات علمی در مورد کودکان زندانیان، با انجام مطالعات طولی (در نظر گرفتن یک گروه از افراد در طول سال‌ها یا دهه‌های مختلف برای مشاهده یک رویداد خاص، که در این مورد حبس پدر و مادر است)، و مطالعاتی در مقیاس بزرگ (متشکل از صدها و یا تعداد بیشتری از شرکت‌کنندگان) به بررسی و تأیید یافته‌های مطالعات قبلی پرداخته‌اند و در چند مورد خاص، این نتایج را رد کرده‌اند. یکی از یافته‌های ثلثیت در تحقیقات بی‌نظیر و علمی قوی این است که داشتن والدینی که در زندان به سر می‌برند معمولاً تأثیراتی منفی روی کودکان دارند، چه در سطح جمعی (اکثر کودکان آن را یک تجربه منفی می‌نامند) و چه در سطح فردی (اکثر کودکان اثرات منفی آن را بیشتر از اثرات مثبت آن گزارش می‌کنند).

با این حال، مداخلاتی وجود دارند که به گفته تحقیقات انجام شده، تأثیرات مثبتی بر توانایی کودکان برای مقابله با زندانی شدن والدین شان دارد. تعدادی از اینها در پروژه COPING که با کمک های مالی اتحادیه اروپا انجام شد (کودکان زندانی ها، مداخلات و اقدامات کاهنده برای تقویت سلامت روان) معرفی شد. روش و نتایج این پروژه را در به صورت دقیق در ادامه توضیح داده ایم.

مداخلات مثبت می توانند به حفظ رابطه کودک با پدر و مادر زندانی یا به حمایت از کودکان در سایر قسمت های زندگی آنها کمک کند. تحقیقات نشان می دهد که (حداقل در بعضی از کشورها) داشتن والدین زندانی می تواند احتمال بروز رفتار ضد اجتماعی در پسران را در مراحل بعدی زندگی شان، افزایش بدهد. در حالی که هیچ کدام از تحقیق هایی که مولفان این مطالعه می شناسند، تا کنون به این نتیجه نرسیده اند که آیا کودکانی که برخورد بهتری با زندانی شدن والدین شان دارند، در آینده در مقایسه با سایر کودکانی که این توانایی را ندارند، از ریسک کمتری برای بروز رفتارهای ضد اجتماعی برخوردار هستند، بسیاری از رفتارها و عوامل گزارش شده توسط کودکان زندانیان (از جمله خشم، ترویح و فقدان روابط اجتماعی و داشتن والدین با محکومیت های پیشین) به عنوان عوامل خطر برای پیشگیری از رفتارهای ضد اجتماعی و جرم شناخته می شوند. بنابراین، کمک به کودکان زندانی در زمان حال می تواند مزایایی در راستای پیشگیری از جرم و جنایت در آینده داشته باشد.

حل مشکلات اقتصادی خانواده های زندانی

تردیدی در خصوص اهمیت نقش مدرسه در آموزش مهارت های زندگی توسعه دانش و معلومات و آگاهی و تقویت حس مسئولیت کودکان و همین طور پیشگیری از بزهکاری وجود ندارد به همین جهت قانون اساسی کشور ما و همین طور اسناد بین المللی حق دسترسی به امکانات مناسب آموزشی به طور رایگان را برای تمامی کودکان به رسمیت شناخته اند. البته در کشور ما امروزه ثبت نام در مدارس غیر انتفاعی که آموزش در آنها از سطح کیفی بالاتری برخوردار است رایگان نیست و در مقابل سطح علمی برخی از مدارس دولتی نیز قابل قبول نیست به نظر می رسد که مدرسه بتواند با برقراری تعامل دوسویه با والدین اطفال در تشخیص کودکانی که خانواده های آنها از سطح مالی مناسبی برخوردار نیستند را شناسایی کرده و با معرفی آنها به اداره آموزش و پرورش منطقه نسبت به ارائه تسهیلات مالی جهت فراهم آوردن حداقل امکانات زندگی و تهیه اسباب و لوازم تحصیل اقدام نماید. خانواده ها و مدارس همچنین میتوانند با ایجاد زمینه اشتغال و کاهش میزان بزهکاری و توزیع عادلانه فرصتها میتوانند در پیشگیری از بزهکاری کودکان فعالیت نمایند. (اشراقی و یزدانی، ۱۳۸۴)

حل مشکلات روحی و روانی فرزندان خانواده های محکوم به حبس

دوستی و تفاهم میان والدین و فرزندان موجب آسایش خاطر کودک در خانواده می شود و محیط خانه را به پناهگاهی امن برای وی تبدیل میکند که در آن احساس امنیت دارد و باعث میشود در پی دوستان ناباب که در نتیجه فقدان روابط صمیمانه در خانواده است نباشد (متولی زاده، ۱۳۸۶). در این راستا ساترلند بیان میدارد که هر چه روابط اعضای خانواده از صمیمیت بیشتری برخوردار باشد امکان بروز انحراف کمتر است. نظریه هیرشی نیز حاکی از آن است که کاهش دلبستگی و صمیمیت در روابط متقابل اعضای خانواده روی میزان بزهکاری تأثیر مثبت دارد. همچنین مطالعات نشان میدهد که بزهکاری نوجوانان با خانواده گسسته شده ارتباط دارد. غالباً میزان بزهکاری در خانواده های گسسته نسبتاً بالاتر از خانواده های سالم است. پژوهشگران معتقدند کلید رشد سالم هماهنگی مناسب بین خلق و خوی کودک و محیط خانواده است. وقتی والدین کودک دشوار برای او زندگی خانوادگی شاد و باثباتی را فراهم آورند، رفتارهای

منفی و مشکل زای کودک به موازات افزایش سن کاهش می یابد (آزموده، ۱۳۹۰) همچنین رابطه صمیمانه میان دانش آموزان و معلمان و اولیای مدارس توجه به شخصیت استعدادها و تواناییهای کودکان افزایش آگاهی دانش آموزان، عدم تبعیض میان شاگردان افزایش برنامه های علمی، تفریحی، ورزشی و استفاده از امکانات آموزشی مناسب ایجاد انگیزه تحصیلی، شناسایی افراد ناهنجار و بزهکار و بررسی علل بزهکاری آنان توأم با هدایت و کنترل مستمر، به کارگیری مناسب اصل تشویق و تنبیه استفاده از کادر مجرب معلمان مددکاران اجتماعی و مشاوران در مدارس مشارکت دادن دانش آموزان و ایجاد حس مسئولیت در آنان و اصلاح روشهای تدریس و ارزیابی موجب کاهش زمینه های بزهکاری در محیط مدرسه می گردد (شامبیاتی، ۱۳۸۹) یاری گرفتن از مشاوران متخصص در رفع مشکلات کودکان نوجوانان نیز از دیگر موارد همکاری میان خانواده ها و مدارس در پیشگیری از بزهکاری ایشان میباشد (گل محمدی، ۱۳۹۰). بنابراین خانواده و مدرسه در زمینه ی حل مشکلات روحی و روانی کودک نقش بسزایی دارند. مسلماً فراهم آوردن محیطی آرام که اطفال در آن رشد کرده و تحصیل نمایند با همکاری و مشارکت خانواده و مدرسه مؤثرتر و راهگشاتر خواهد بود همچنین اگر کودکی در محیط خانه با مشکل روحی مواجه شده باشد اولیای طفل و یا احدی از ایشان می توانند مسئولین مدرسه را با اطلاع رسانی دقیق و به هنگام و صادقانه در امر درمان و برطرف سازی این مشکل یاری نمایند و تأثیر برقراری مشارکت عمیق میان اولیای طفل و مربیان مدرسه قبل از بروز چنین مشکلاتی روحی بر اطفال بر جلوگیری از آن بر کسی پوشیده نیست چرا که اگر طفلی به واسطه وجود مشکل روحی از حساسیت بالاتری نسبت به سایر همکلاسیهای خود برخوردار بوده و یا از آن رنج ببرد، ممکن است واکنشی غیر معمول به رفتاری عادی از سوی مربی و یا همکلاسی های خود دست بزند. این در حالی است که اگر والدین به هنگام مربیان مدرسه را از وجود چنین مشکلی در کودک خود با خبر سازند میتوانند از ورود صدمات روحی شدیدی به طفل خودداری کرد به عنوان مثال چنانچه کودکی مبتلا به بیماری خاصی همچون هموفیلی باشد و اتفاقاً مربی در کلاس بدون توجه به وجود این بیماری در یکی از شاگردان اعلام نماید که افراد مبتلا به هموفیلی معمولاً تا سن ۲۵ سالگی بیشتر عمر نمی کنند؛ این مسئله میتواند ضربه روحی شدیدی به کودک مبتلا وارد سازد و حتی به لحاظ روانی تأثیر منفی بر روند بهبودی و درمان آن کودک بگذارد.

آموزش حقوق به اطفال

آموزش حقوق به اطفال توسط خانواده و مدارس به منظور پیشگیری از بزهکاری امری ضروری است که در برخی کشورها نیز برنامه آموزش حقوق از طریق آموزش و استفاده از الگوهای آموزشی همچون ایفای نقش یا حضور در زندان یا دادگاه ها پیاده سازی شده است. از این طریق میتوان بر میزان هنجار پذیری دانش آموزان از طریق ایجاد حس تعهد به هنجارهای اجتماعی و تقویت احساس مسئولیت آنها نسبت به خود و همسالان و اولیای خانه و مدرسه و توجه به ارزشهای اخلاقی افزود. در این برنامه ها باید تلاش شود تا با تقویت حس تعلق دانش آموزان به جامعه و قبول این مسئله که خود عضوی از جامعه و تشکیل دهنده ی آن هستند حقوق را به زبان ساده به دانش آموزان آموزش داده و احترام به قانون را در ایشان پایه گذاری نمایند (معظمی، ۱۳۹۱) می توان تأثیر این آموزشها را از طریق بازدیدهای علمی و میدانی و اردویی در پیشگیری از وقوع جرم بالا برد بدین صورت که مثلاً در یک اردوی یکروزه به آموزش آشنایی با عوارض بزهکاریهای اجتماعی پرداخت یا با بردن کودکان و خصوصاً نوجوانان به مراکز بازپروری و بازآموزی همچون کانون های اصلاح و تربیت باعث آشنایی ایشان با این مراکز شده و نگرش آنها را نسبت به جرم و بزهکاری

تغییر داد. همچنین میتوان با ایجاد برنامه های دسته جمعی و گروهی برای اردو و بازدید از ندامتگاه ها و نشستن پای صحبت خلاف کارها، موجبات عبرت گیری هر چه بیشتر و رفع بیکاری کودکان و نوجوانان را فراهم آورد (رجبی پور، ۱۳۸۷).

• حل مشکلات تحصیلی

پرواضح است که وظیفه اصلی ارتقای سطح تحصیلی دانش آموزان به عهده مدارس میباشد، لیکن بر کسی پوشیده نیست که بی توجهی و غفلت والدین و عدم پیگیری ایشان نقش به سزایی درافت تحصیلی کودکان دارد. این امری بین المللی است تا جایی که در بیانیه اهداف ملی آموزش و پرورش آمریکا در سال ۲۰۰۰ ترغیب و تشویق والدین به پیگیری وضعیت تحصیلی کودکان از جمله مهمترین اصول برشمرده شده است. گام اول را در مشارکت خانه و مدرسه در حل مشکلات تحصیلی باید مدرسه بردارد. مدرسه باید والدین را از افت تحصیلی باخبر سازد و حساسیت آنها را نسبت به عواقب منفی ناشی از آن برانگیزد مدرسه همچنین نباید والدین را در افت تحصیلی کودکان مقصر جلوه دهد چراکه در این صورت والدین خود را کنار کشیده و امکان رسیدن به تفاهم و اقدام مشترک از بین می رود مدرسه باید به والدین بیاموزد که در خانه محیط شبه آموزشی برای کودکان فراهم کنند نه آنکه با خروج از مدرسه کودکان کاملاً از بحث تحصیلی فارغ شوند تا صبح روز بعد که به مدرسه می روند. همچنین مدرسه باید به والدین بیاموزد و بقبولاند که به فرزندان خود اعتماد کنند و وظایفی را به عهده ایشان بسپارند و از این طریق موجب ارتقای سطح اعتماد به نفس کودکان خود شوند. توجه با این نکته اساسی بسیار حائز اهمیت است که پس از ورود به مدرسه کودکان بیشتر وقت مفید خود را در مدرسه میگذرانند و در حقیقت مرکز ثقل آموزشی و تربیتی آنان از خانه به مدرسه تغییر میکند در این میان والدین خود باید پس از درک این مطلب کودکان را به حرف شنوی از مربیان و مسئولان مدرسه تشویق و ترغیب کنند تا رفته رفته توازنی میان نقش خانه و مدرسه حاکم شده و مشارکتی متوازن شکل گیرد (مهدوی، ۱۳۹۱).

• استفاده از خانواده های صالح جهت حمایت از اطفال خاص

یکی دیگر از زمینه های مشارکت خانواده و مدرسه در حل مشکلات استفاده از خانواده های صالح به منظور حمایت و نگهداری از کودکان خاص و دارای حالت خطرناک با هدف ارائه خدمات و کنترل و نظارت شدید برای اصلاح و تربیت کودکان به ویژه کودکانی که از نعمت والدین محروم هستند یا والدین آنها قادر یا مایل به مراقبت از آنها نمیشوند و همچنین کودکانی که والدین آنها از هم طلاق گرفته اند و یا معتاد هستند (معظمی، ۱۳۹۱) در این راستا مدرسه باید کودکانی که شرایط خاص دارند را شناسایی نموده و از طریق روشهای قانونی در اختیار خانواده های صلاحیت دار قرار دهد.

انسان موجودی اجتماعی است و این خصلت در وی جنبه ذاتی و فطری دارد. در اجتماع زیستن بر خلاف سایر خصلتهای قطری انسان نیاز به آموزش مهارتهای خاص دارد. در جامعه ای که مهارت هایی چون احترام به حقوق دیگران، همدلی، مسئولیت مهارتهای زندگی نهادینه نشده باشد، هرگز نمی توان اجرای قانون را در آن تضمین نمود چرا که آموزش مهارتها به ویژه مهارت های اجتماعی شرط لازم قانونمندی یک جامعه است. گاه آسیبهای اجتماعی باعث زندانی شدن فرد می شود.

و گاه زندان باعث آسیبهای اجتماعی میشود مجازات زندان اگر چه به عنوان یک راهکار برای اصلاح، درمان، پیشگیری و رعایت عدالت در جامعه در مراجعه با قانون شکنان و مجرمان پذیرفته شده است اما آسیبهای ناشی از آن خانواده زندانی را در ردیف قربانیان واقعی جرم قرار میدهد و زندانی شدن یک پدر یا مادر تبعات منفی زیادی دارد. ابعاد تاثیر زندانی شدن افراد بر خانواده و جامعه شامل ابعاد فردی، خانوادگی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است و شدت و ضعف آنها به عوامل مختلف مانند نوع جرم زندانی، مدت محکومیت و یا فقدان ارگان حمایتی و نیز نوع برخورد جامعه با زندانی و خانواده او بستگی دارد و مسئله طرد اجتماعی و برچسب زنی از شایع ترین رویکردها در مورد زندانی و خانواده اوست. آموزش تسهیل ارتباط مستمر زندانی با خانواده و با جهان بیرون، اصلاح نگرش، تقویت باورهای دینی و مذهبی، افزایش آگاهی های عمومی در حوزه دستورات دینی از طریق مساجد، توانمند سازی اقتصادی از طریق آموزش و مهارت افزایی و تغییر نگاه از مجرم به آسیب دیدگان اجتماعی در مورد کودکان با رویکرد حمایت محور و بازگرداندن آنها به آغوش جامعه از عوامل موثر بر تقلیل پیامدهای منفی زندانی شدن فرد بر خانواده است. راهکارهای پیشنهادی به عنوان بخشی از راهکارهای کاهش پیامدهای منفی زندان بر خانواده و جامعه میباشد همچنین رسانه ها در اصلاح نگرش جامعه به مسئله جرم، زندان، خانواده زندانی و شیوه کنترل جرم، در ذهنیت مردم و مدیران نقش تعیین کننده دارند.

بر اساس بررسی علل گرایش فرزندان افراد محکوم به حبس به سمت اعتیاد و بزهکاری، می توان نتیجه گرفت که این موضوع به عوامل پیچیده و چندوجهی اجتماعی، اقتصادی، روانی و فرهنگی بستگی دارد. محرومیت های عاطفی و مالی، فقدان حمایت های اجتماعی و خانوادگی، و تاثیرات روانی منفی ناشی از زندانی بودن والدین، از جمله مهم ترین عوامل مؤثر در این زمینه هستند. فرزندان این افراد به دلیل شرایط سختی که تجربه می کنند، ممکن است به دنبال راه حل هایی برای مقابله با بحران ها و مشکلات خود باشند که اغلب به رفتارهای ضد اجتماعی و بزهکاری منجر می شود. در بسیاری از موارد، فقر، عدم دسترسی به آموزش و فرصت های شغلی، و از دست دادن حمایت های لازم از سوی خانواده و جامعه، می تواند به تشدید این گرایش ها منجر شود.

- معروفی، یحیی. (1389). پیامدهای زندانی شدن والدین بر عملکرد تحصیلی فرزندان. خانواده پژوهی، 6(24)، 469-482.
- دشت آبادی، معصومه، سدرپوشان، نجمه، و احمدزاده، محمدرضا. (1394). بخشی آموزش اثرات، زیستی، شناختی، روانی و اجتماعی مواد مخدر بر اساس مدل خود توانمند سازی برنگرش به مواد در سن نوجوانی. کنفرانس بین المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی.
- محمد نژاد، عارفه، و سلیمانی، اسماعیل. (1398). بررسی رابطه وقایع استرس زای زندگی با آمادگی به اعتیاد: ارائه مدل با آزمون نقش تعدیل کنندگی تیپ شخصیتی D. اعتیاد پژوهی، 13(53)، 177-195.
- عطادخت، اکبر، و قره گوزلو، نادیا. (1397). نقش افسردگی، اضطراب و استرس دانش آموزان پسر در پیش بینی نگرش مثبت و منفی آن ها به بزهکاری. روانشناسی مدرسه، 7(2) (پیاپی 26)، 115-130.
- چلبی، مسعود، و روزبهانی، توران. (1380). نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان. پژوهشنامه علوم انسانی، - (29)، 95-132.
- سلطانی، لادن، و زینالی، علی. (1398). نقش شیوه های تربیتی، استعداد اعتیاد والدین و مزاج فرزند در پیش بینی استعداد اعتیاد دانش آموزان نوجوان. اعتیاد پژوهی، 13(54)، 127-146.
- گل خندان، سمیرا. (1401). رابطه ساختار خانواده با بزهکاری اطفال و نوجوانان (مطالعه میدانی در کانون اصلاح و تربیت استان اصفهان 1395). پژوهشهای حقوق جزا و جرم شناسی، 10(19)، 207-235.
- فقر و انحرافات اجتماعی، اسفندیاری، اسماعیل، ۱۳۸۲.
- پدران در زندان، فرزندان در مدرسه چالش ها و خطرات، رسولخوانی، حامد، 1401.
- نگاهی به بزهکاری نوجوانان و جوانان، حسین کریمیان، ۱۳۸۷.
- کودکان با والدین زندانی: وضعیت و نقش آنها در پیشگیری از جرایم در بلند مدت (انجمن حمایت زندانیان مرکز)
- آسیب شناسی خانواده زندانیان و ارائه راه کارهای اجرایی به منظور پیشگیری از طلاق همسرزندانان در حاشیه شهر مشهد، سیدامیر مرتضوی، مریم صمدی، ۱۴۰۳.
- پیریایی، حبیب، 1397، علل تمایل به استعمال مواد مخدر کودکان بزهکار در کانون اصلاح و تربیت، اولین همایش ملی جهانی سازی حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوقی و روانشناسی، مشهد